

سازمان شانگهای یا نیمی از جهان

همشهری

در 5 ژوئن سال 2005 (15 خرداد سال جاری) سران کشورهای سازمان همکاریهای شانگهای در آستانه پایتخت قزاقستان جمع شدند. در این اجلاس علاوه بر سران کشورهای روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان به عنوان اعضای اصلی سازمان، رئیس جمهور مغولستان به عنوان عضو ناظر انتخاب شده در سال قبل و محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهور ایران، شوکت نیازی نخست وزیر پاکستان و مانوهان سینگ وزیر خارجه هند با عنوان ناظرین جدید سازمان شرکت کردند.

اجلاس 2005 آستانه برای سازمان شانگهای را می توان مهمترین حرکت از ابتدای شروع به تشکیل این سازمان دانست. زیرا در این اجلاس، سازمان هم به جهت ساختاری و هم به جهت تصمیمات متخذه تحول چشم گیری پیدا کرد.

به لحاظ ساختاری این سازمان با پذیرش سه کشور ایران، هند و پاکستان به عنوان ناظر وسعت قلمرو و جمعیت خود را به بیش از نیمی از خشکی های جهان و جمعیت کل جهان افزایش داد و با عضویت یافتن در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به عنوان ناظر و امضاء یادداشت تفاهم همکاریهای متقابل با CIS و ASEAN در زمینه همکاری های امنیتی و اقتصادی نشان داد که سازمان همکاریهای شانگهای سازمانی با قدرت بازیگری مؤثر و با نفوذ محسوب شده و سازمانی است که با توسعه ظرفیت های خود در آینده خواهد توانست تحولات امنیتی آسیای مرکزی و آسیای جنوب غربی تأثیرات تعیین کننده ای بگذارد.

طبق روال معمول سران شانگهاي در آستانه مهمترين بحث محوري خود را سه موضوع تروريسم، جدايي طلبي و افراط گرایی به عنوان سه تهديد عمده منطقه اي و بين المللي قرار دادند و با نام بردن از آن ها به عنوان سه تهديد شیطاني برنامه هاي آتي سازمان را در مقابل آن ها تعريف کردند که مهمترين نمود آن چگونگی فعاليت کميته اجرايي مرکز منطقه اي ضدتروريستي در شهر تاشکند است که به عنوان نماد وابسته به سازمان فعاليت خواهد کرد.

ويژگي ديگر اجلاس آستانه تقسيم کار شکل گرفته در درون سازمان است که سران شانگهاي کليه مباحث امنيتي و سياسي و بين المللي را در شوراي سران مطرح مي سازند و مباحث اقتصادي و تجاري را به اجلاس رؤساي حکومت (نخست وزيران) واگذار مي کنند که در سپتامبر سال 2005 در شهر مسکو برگزار شد و تمام مباحث اقتصادي و سياسي و برنامه هاي اجرايي کوتاه مدت و بلندمدت سازمان را در اين زمينه ها مشخص ساخت.

بيانيه سياسي امنيتي سازمان در اجلاس آستانه 2005 را مي توان مهمترين حادثه اين سازمان از ابتدای شکل گيري آن دانست که بازتاب هاي بسيار گسترده اي در پي داشت. سران سازمان شانگهاي در بيانيه پاياني اجلاس اعلام کردند که با توجه به اين که اوضاع افغانستان رو به آرامي است ضرورت دارد تا آمريکا جهت خروج نيروهاي خود از آسياي مرکزي و تعطيلي پایگاه هاي آمريکا در کشورهاي عضو سازمان همکاريهاي شانگهاي يك جدول زماني تعيين کند. اين درخواست سازمان شانگهاي به چند جهت حائز اهميت بسياري تلقي مي شود.

(۱) این بیانیه یک جهش سیاسی قابل توجه در وضعیت سازمان تلقی می شود زیرا تا قبل از این بیانیه مسیر کلی حرکت اعضای سازمان در مبارزه با تروریسم همراهی با آمریکا بود اما در این بیانیه، اعضا ضمن تأکید خود بر مبارزه با تروریسم، جدایی طلبی و افراط گرایی و پذیرش تعهداتی در خصوص ایجاد یک کمربند امنیتی پیرامون مرزهای افغانستان با اعضای سازمان جهت جلوگیری از رفت و آمد تروریست ها و تعهد به بازگرداندن تروریست های دستگیرشده و عدم اعطای پناهندگی به آن ها مسیر دیگری برای خود مشخص کردند.

(۲) این بیانیه به لحاظ محتوایی چیزی فراتر از بیانیه منتشرشده توسط پنتاگون در اوایل ماه ژوئن نبود که اعلام می داشت نیروهای آمریکایی در صورتی که به آن ها در افغانستان نیازی نباشد منطقه را ترک خواهند کرد، اما به لحاظ نحوه بیان، محاسبات جدیدی را در معادلات منطقه ای وارد نمود و مشخص ساخت که دولت های آسیای مرکزی در کنار روسیه و چین آماده اعمال برخی سیاست های چالش برانگیز در منطقه هستند.

(۳) آن چه مشخص است هنوز افغانستان تا رسیدن به امنیت کامل فاصله زیادی دارد و واقعیت موجود در آسیای مرکزی آن است که کشورهای منطقه به خروج فوری نیروهای آمریکایی از منطقه نه امید دارند و نه آن که منافع خاصی در خروج نیروهای آمریکایی برای این کشورها (به جز ازبکستان) متصور است و برعکس رهبران این کشورها علاوه بر منافع اقتصادی و سیاسی که از حضور نیروهای آمریکایی به دست می آورند به این جمع بندی رسیده اند که کاری را که نیروهای آمریکا در مقابل طالبان و شبکه های تروریستی در طول شش ماه انجام داد سازمان شانگهای

(شانگهاي 5) در طول شش سال فعاليت خود نتوانسته بود انجام دهد.

با توجه به موارد فوق چند سؤال اساسي وجود دارد:

دليل يا دلایل اصلي صدور بيانيه فوق چيست؟ آیا سازمان همکاریهاي شانگهاي در جهت ضدغربي (ضد آمريکايي) شدن حرکت مي کند؟

آيا سازمان شانگهاي بر اساس پارادایم هاي جنگ سرد حرکت خواهد کرد و جانشين پیمان ورشو خواهد شد؟

در پاسخ به سؤال فوق باید گفت که هنوز زود است به صرف يك بيانيه تحليل جامع و جمع بندي مشخص از آینده سازمان ارائه کرد ولي با بررسی روابط دوجانبه و چندجانبه اعضاي سازمان با آمريکا و ديگر کشورهای غربي حقایقي را روشن مي سازد که با آن چه از تحليل مستقيم بيانيه به دست مي آید متفاوت است.

واقعیت آن است که آمريکا روابط گسترده اي با تك تك اعضاي سازمان و کشورهای ناظر (بجز ايران) دارد و روابط اقتصادي سياسي آمريکا با اعضاي اصلي اين سازمان مانند روسيه و چین و اعضاي ناظر مانند هند و پاکستان به حدي گسترده و پیچیده است که نمی توان تصور کرد اين کشورها منافع دوجانبه خود را قرباني بيانيه صادره کنند و به سوي چالش

با آمریکا جهت اعمال فشار برای خروج نیروهای خود از آسیای مرکزی حرکت کنند.

علاوه بر آن آمریکا در روابط خود با دیگر کشورهای عضو سازمان به گونه ای رفتار کرده است که به نظر نمی رسد روسیه و چین بتوانند آن چه را آمریکا در اختیار این کشورها قرار می دهد (خصوصاً حرکتهای اقتصادی) جبران کنند. وقتی کشوری بتواند با اجاره يك پایگاه به آمریکا نیمی از کسری بودجه رسمی خود را جبران کند دلیلی نمی بیند که به راحتی از این امتیاز صرف نظر کند (مورد قرقیزستان) مگر آن که به دلایل سیاسی حضور آمریکا رفتار دیگری را بر کشور تحمیل کند (مورد ازبکستان).

بنابراین تعارض موجود در متن بیانیه سازمان با رفتارهای واقع گرایانه اعضای سازمان را باید در بستر سیاست قدرتمندانه و جایگیری استراتژیک در سیاست بین المللی تحلیل کرد. به عبارت دیگر باید گفت که اعضای سازمان همکاریهای شانگهای متحدانه این بیانیه را صادر کردند تا با استفاده از صدایی واحد قدرت ملی خود را افزایش دهند و از آن برای رسیدن به اهداف ملی (فردی) استفاده کنند.

اعضای سازمان شانگهای در تعطیلات فوری پایگاه های آمریکایی منافع آنها ندارند ولی از بکارگیری عبارات مربوط به ضرورت خروج نیروهای آمریکایی برای چانه زنی های بعدی استفاده می کنند. مورد قرقیزستان که پس از بیانیه و به دنبال سفر دونالد رامسفلد وزیر دفاع آمریکا قرارداد تمدید (نامحدود) پایگاه آمریکا در قرقیزستان را در مقابل افزایش کمک های مادی آمریکا امضاء نمود نمونه مشخص این موضوع است.

البته روسیه و چین به شیوه دیگری منافع خود را دنبال می‌کنند. روسیه در صدد است تا با طرح ضرورت خروج نیروهای آمریکایی، همزمان موضوع ضرورت حفظ امنیت منطقه و مقابله با تروریسم پس از خروج نیروهای آمریکایی توسط ساختارهای امنیتی منطقه ای را مطرح کند و با توجه به این که روسیه در ساختارهای امنیتی منطقه مانند پیمان امنیت دسته جمعی و سازمان شانگهای دست برتر را دارد بنابر این تلاش می‌کند تا خروج نیروهای آمریکایی در چارچوب یک معامله کلان صورت گیرد و روسیه مسئول حفظ امنیت منطقه شود.

چین نیز موضع خاص خود را دارد ضمن آن که چین در خصوص انتشار بیانییه سازمان موضع محافظه کارانه ای داشت. چین صحنه اصلی مقابله با آمریکا را آسیای جنوب شرقی و مسأله تایوان می‌داند و به هیچ عنوان تمایلی ندارد که آسیای مرکزی صحنه تقابل آمریکا و چین باشد. البته همان گونه که ذکر شد با این موضوع هم که منافع چین در آسیای مرکزی توسط آمریکا نادیده گرفته شود نمی‌تواند موافق باشد. پیام چین در این بیانییه آن است که در منطقه نیروهایی وجود دارند که ضروری است منافع آن‌ها مورد توجه قرار گیرد. مطالبی که به صراحت توسط وزیر خارجه روسیه مطرح شد و اعلام کرد که روسیه منافع دیگران را در منطقه به رسمیت می‌شناسد ولی نمی‌تواند در مقابل این طرز فکر که روسیه در منطقه منافع منفعی ندارد سکوت اختیار کند. (نقل به مضمون)

با توجه به آن چه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که سازمان همکاریهای شانگهای سازمانی است که در آینده از نفوذ و قدرت بیشتری بهره مند خواهد شد و

با شفافیت بیشتری منافع اعضای خود را مطرح خواهد کرد اما يك سازمان ضدآمریکایی و یا ضد غربی نخواهد شد و پای در جای پیمان ورشو نخواهد گذاشت. این سازمان هویت مشخص خود را خواهد داشت که بر اساس منافع اعضای آن شکل می گیرد. اعضای که تلاش دارند با افزایش قدرت خود در يك اقدام جمعی منافع ملی خود را بیشتر تأمین کنند.